



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۹/۱۷

فیصل محمد

پاکستان - افغانستان و حربه سیاسی اسلام بخش چهارم

بعد از تاسیس امارت اسلامی طالبان در سپتمبر ۱۹۹۶ پاکستان به آنچه میخواست رسید چون هدف پاکستان از تشکیل یک نظام افراطی دسترسی این کشور به (عمق استراتژی) در افغانستان در صورت بروز هر نوع جنگ احتمالی علیه هند بود مفهوم (عمق ستراتیژیک) یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی پاکستان طی چندین دهه است که در تطبیق آن مراجع نظامی و استخباراتی پاکستان همیش از حربه سیاسی اسلام استفاده میکنند بنا حمایت پاکستان از طالبان نیز ابزاری و بر دلایل جیو استراتژیک بنا یافته نه بر اساس ملاحظات ایدئولوژیک چون تیورین های پاکستانی اعتقاد داشتند که یک نظام مذهبی افراطی در افغانستان که بدون شک اکثریت رهبران آن فارغین مدارس پاکستانی تحت اداره (ای اس ای) خواهند بود میتواند فواید استراتژیک برای پاکستان در قبال منطقه داشته باشد مطابق چنین استراتژی طالبان نظام افراطی را در افغانستان اساس گذاشتند و به تشویش چندین دهه پاکستان از امنیت سرحدات غربی این کشور پایان داد و زمینه برای ترانزیت کالا های پاکستانی به جمهوریت های آسیای میانه و بالمقابل ورود مواد خام از ممالک مذکور به پاکستان را نیز مساعد ساختند و توسعه روابط اقتصادی و تجاری پاکستان با جمهوریت های آسیای میانه را که سالها به علت ادامه جنگ های داخلی افغانستان به تعویق افتاده بود رنگ و رونق بخشیدند. ژونالیست معروف پاکستانی (حامد میر) در مصاحبه که با وزیر داخله وقت پاکستان جنرال نصیر الله بابر داشت فاش ساخت که آقای بابر وقتی وی را برای صرف غذا چاشت دعوت نموده بود سعی میکرد او را متقاعد سازد که باید تمام ژورنالیستان و وطنپرست پاکستانی از طالبان حمایت کنند زیرا آنها تامین کننده منافع اقتصادی پاکستان استند بابر اضافه نمود افغانستان دروازه آسیای مرکزی است و ایران سعی دارد تا این دروازه را بوسیله ائتلاف شمال بر روی ما بسته و آسیا میانه را به ایران متصل سازد در حالیکه ما در مسیر تطبیق پروژه خط لوله گاز از ترکمنستان به پاکستان از مسیر افغانستان به ارزش میلیاردها دلار هستیم. در این شک نبود که تامین امنیت سرتاسری و ترانزیت سازی افغانستان در پهلوی اعاده منافع پاکستان حافظ منافع افغانستان نیز بود به همین دلیل افغانها در ابتداء ظهور طالبان علی الرغم فهم و اطلاع از این واقعیت که طالبان گروه مذهبی تحت حمایت پاکستان اند اما به دلیل مطابقت این حمایت با مصالح آن وقت افغانستان حساسیت افغان ها را علیه این کشور بر نه انگیزت لیکن استفاده ابزاری پاکستان از اسلام جهت تشویق و ترغیب طالبان به ارایه قرائت افراطی از دین و تبدیلی افغانستان به مرکز تروریزم مشکلات و مصایب را عاید حال افغان ها گردانیده که منجر به تنفر افغانها از پاکستان و افراطیون تحت حمایت آنها گردید چون افراطیت و حضور گروه های تروریستی در افغانستان هر لحظه امکان تقابل و تصادم افغان های بیگانه را با قدرت های بزرگ مساعد میساخت.

افراطیت و تروریزم بعد از کمونیزم پدیده جدید بود که باید با آن مبارزه صورت میگرفت اما بعضی از ممالک انرا نظر به ملاحظات سیاسی و اقتصادی جدی نمیگرفتند چنانکه ایالات متحده امریکا بعد از اضمحلال شوروی بار دیگر به یک دور جدید از رقابت ها با روسیه داخل شد و جهت تضعیف وابسته گی ممالک آسیا میانه به پایپ لین های روسیه در سدد تمدید خط لوله جدید از ممالک آسیا میانه به بحر هند از طریق افغانستان بود اما تطبیق چنین پلان اقتصادی ایجاب میکرد تا امریکا خطر رو به تزید افراطیت و تروریزم در افغانستان را نادیده میگرفت و کاری با سیاست داخلی و خارجی طالبان نمی داشت بنا سازمان استخباراتی پاکستان با ارایه یک سلسله تضمینات امنیتی به ایالات متحده امریکا در رابطه به نرسیدن هیچ اسیب از سوی گروه های افراطی مقیم افغانستان نظر این کشور را در مورد طالبان مثبت ساخت و شرکت امریکایی یونیکال که تطبیق کننده پروژه پایپ لین جدید بود کار پروژه را اغار نموده و جهت جلب حمایت طالبان در پهلوی پرداخت مبالغ هنگفت پول به رهبران این گروه در قندهار؛ در دسمبر ۱۹۹۷ هیات طالبان را جهت بازدید از تصفیه خانه های نفتی این شرکت به ایالت تکزاس امریکا نیز دعوت نمود اما طالبان که حربه سیاسی بیش نبودند با تعابیر و تفاسیر افراطی افغانستان را محصور و تجرید نموده و با

حمایت از افراطیت هر روز درد سر های جدید را برای افغانستان و جهان به بار میآورد و در دو جبهه هم با ملت افغان و هم جامعه جهانی در تقابل قرار داشت این تنها طالبان نبودند که در تضاد با منافع امریکا قرار داشتند بلکه سازمان ها و گروه های تروریستی ساکن در افغانستان نیز به تشدید اختلاف بین طالبان و امریکا دامن زده و تهدید بزرگ به سرمایه گذاری های امریکا در افغانستان محسوب میشدند چنانکه سازمان تروریستی القاعده از مدت ها طولانی مذاکرات بین طالبان و امریکا را در رابطه تمدید پاپی لین نفت و گاز تحت نظارت داشت و جهت سبوتاژ تعامل امریکا با طالبان در اگست ۱۹۹۸ حملات انتحاری را بالای سفارت های امریکا در کنیا و تانزانیا انجام داد بالمقابل امریکا نیز به تاریخ ۲۰ اگست ۱۹۹۸ بعضی از تاسیسات القاعده را در افغانستان مورد حمله راکت های پالستیک قرار داد که در نتیجه روند مذاکرات طالبان با امریکا متوقف و جغرافیا افغانستان به میدان جنگ و منافشه مبدل گردید هدف القاعده از تخریب مذاکرات زمانی بر ملا گردید که کمپیوتر های ضبط شده ذریعه (اف بی ای) در جریان بررسی حملات بالای سفارتخانه های امریکایی حاکی از رد و بدل شدن ایمیل های بود که در آن رهبر نظامی القاعده جهت سبوتاژ جریان مذاکرات و متوقف ساختن پروژه خط لوله نفت و گاز خواهان انجام هر چه زوتر حملات علیه سفارت خانه های امریکایی گردیده بود .

امارت اسلامی طالبان بدون توجه به آنچه القاعده و سایر گروه های تروریستی انجام میدادند خود در راستای پیشبرد سیاست های حمایتی از افراطیت و تروریسم به تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۹ در یک پلان مشترک با (ای اس ای) مسعود اظهر رهبر گروه تروریستی انصار الله و جیش محمد را که در حبس دولت هند قرار داشت در بدل ازادی ۱۹۰ مسافر که در اختیار طیاره ربایان در میدان هوایی کندهار قرار داشت از محبس هندی ها رها نمود وزارت خارجه امریکا بعد از اینکه متیقن شد پاکستان از حربه اسلام جهت تقویت افراطیت و تروریسم استفاده میکند در سال ۱۹۸۸ طی راپور از خطر روبه تزید تروریسم ؛ افراطیت و سرکوب سیاسی در پاکستان خبر داده و متقاضی تجدید نظر استراتژیک در روابط با پاکستان گردید .

نظام طالبی به ادامه حمایت از تروریسم و افراطیت در یک اقدام ضد ملی دیگر در ۱۶ جنوری ۲۰۰۰ بعد از آنکه هیات به شمول شیخ ابوسیف امیر جماعت اسلامی چچن و عبدالواحد قومندان فرقه شریعت چچن جهت کسب حمایت طالبان از داعیه جهاد چچنیا وارد کابل شدند رهبران طالبان بدون کوچکترین معطلی چچنیا را بعنوان یک کشور مستقل به رسمیت شناخته و متقاضی افتتاح سفارت این کشور در کابل گردید در حالیکه روسیه مدتی قبل بخاطر نشان دادن حسن نیت ریل حامل تسلیحات و تجهیزات جنگی بارگیری شده از ایران را که جهت حمایت از جبهه شمال روانه تاجکستان بود در شهر (روش) قرغیزستان متوقف و مصادره نمود و با انجام این عمل خواهان ختم خصومت و برقرار روابط دوستانه با طالبان بودند لیکن این گروه بدون توجه به منافع ملی مطابق ماهیت ذاتی خویش به حمایت از افراطیت و تروریسم ادامه داده تا جایکه در آخرین روز های حیات نظام طالبی صلاحیت گروه های تروریستی بی وطن در افغانستان به مراتب بیشتر از خود طالبان گردیده بود و گروه های مذکور در حال پلانگذاری عملیات تروریستی و تخریبی بزرگ علیه امریکا و اروپا بودند و به گفته وکیل احمد متوکل وزیر خارجه وقت طالبان (ازادی عمل مهمانان ناخواسته در افغانستان به جای رسیده بود که ایشان در سدد تخریب مهمانخانه بودند) .

در تابستان ۲۰۰۱ ژونالیستی شبکه عربی (ام بی سی) که غرض مصاحبه با بن لادن به کابل آمد بود به ضیافتی دعوت شد که بسیاری از رهبران القاعده به شمول اسامه در آن حضور داشتند ایمن الظواهری که در آن زمان معاون اسامه بن لادن بود به مهمانان حاضر در مهمانی اعلان نمود که این گروه قرار است به زودی حملات بزرگی را علیه اهداف امریکایی انجام دهد این گفتار الظواهری بعد از خروج ژونالیست مذکور از افغانستان ذریعه شبکه (ام بی سی) با اب و تاب کامل پخش و نشر شد که جهان را به ترس و هراس انداخت. گرچه اداره جورج بوش برای آخرین بار در سال ۲۰۰۱ سعی نمود تا طی یک تعامل با طالبان کار پروژه تمدید پاپی لین را دوباره سر سامان دهد اما رفقای تروریست طالبان با انجام حملات ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ آخرین فرصت تعامل جهان با طالبان بیسواد و جاهل را با خاک یکسان ساخت .

مطابق نشریات عربی بخصوص اخبار (ای میدلیست) و تحریرات ژونالیست معروف پاکستانی زاهد حسین در کتابش (جنگ بدون کامیابی) قبل از حمله تروریستی بر مرکز تجارتی نیویارک روابط امریکا و پاکستان به علت حمایت این کشور از افراطیت بعنوان حربه سیاسی در یک حالت پردوکس قرار داشت چنانکه جنرال محمود احمد که به تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در حال ملاقات با ریس کمیته اطلاعات سنا (باب گرهام) و جورج تنت ریس سیا بود از سیاست های حمایتی پاکستان در رابطه به رژیم طالبان به شدت دفاع میکرد و مثل قبل به مقامات سیا اطمینان میداد که ملا محمد عمر مردی با تقوا و عاری از تشدد است و هرگز از افغانستان به منافع امریکا صدمه نخواهد رسید در حالیکه ریس سیا با در نظر داشت حملات القاعده در کنیا و تانزانیا خواهان انجام یک سلسله اقدامات جدی پاکستان علیه طالبان و گروه های تروریستی ساکن در افغانستان بود لیکن ریس (ای اس ای) تمایلی به انجام چنین کاری از خود نشان نمیداد تا زمانیکه خبر اصابت دومین طیاره به مرکز تجارتی نیویارک به گوش روسای سیا و (ای اس ای) رسید و وقوع حادثه خلاف آنچه را ثابت ساخت که پاکستان به امریکا تضمین داده بود جنرال محمود که از شنیدن این خبر مضطرب و هراسیده بود در پهلوی اعلان حمایت از امریکا وظیفه ارسال پیام تسلیمی بدون قید و

شرط اسامه به ملا عمر را نیز به عهده گرفت .

جنرال محمود بعد از رسانیدن پیام امریکا به رهبر طالبان تا جایکه میتوانست ملا عمر را به ایستاده گی در مقابل فشار های امریکا تشویق و ترغیب نموده و از وی خواست تا علیه امریکا اعلان جهاد نماید در حالیکه پاکستان تحت رهبری پرویز مشرف مطابق مصالح ملی پاکستان علاوه بر تقبیح حملات و اعلان اتحاد با امریکا علیه تروریسم قلمرو هوایی و زمینی پاکستان را نیز در اختیار امریکا گذاشت و جهت نشان دادن حسن نیت بیشتر رهبران فراری طالبان را که در خاک پاکستان پناه گرفته بود دستگیر و به امریکا تسلیم نمودند و در پهلوی برکناری جنرال محمود احمد از سمت ریاست (ای اس ای) تمامی جنرال های حامی افراطیت را نیز به تقاعد سوق دادند اما رهبران طالبان که ذریعه نهاد های دینی استخباراتی پاکستان بعنوان حربه سیاسی متضاد با منافع ملی ؛ هویت ملی و مصالح ملی تربیه شده بودند در جواب تقاضای امریکا چنین ابراز موقف نمودند (علی الرغم انکه بخش بزرگ از ملت افغان در جنگ علیه تجاوز شوروی کشته شده اگر متباقی افغان ها بخاطر عدم سپردن اسامه نیز نابود شوند نامبرده را به امریکا نخواهیم سپرد) ایالات متحده امریکا بعد از دریافت جواب رد به تاریخ ۷ اکتوبر ۲۰۰۱ حملات هوایی خویش را در حمایت از پیاده نظام جهادی شر و فساد علیه نظام ضد افغانی طالبان و رفقای تروریست شان آغاز نمودند که در نتیجه نه تنها صد ها هزار افغان بیگناه کشته معلول و معیوب گردیدند بلکه ده ها هزار طالب نیز هنگام عقب نشینی از ساحات شمال و شمال غرب افغانستان بوسیله نیرو های جهادی شر و فساد قتل عام شدند و نظام طالبی که حربه سیاسی مراجع استخبارتی پاکستان بود فدای مصالح ملی این کشور گردید.

ادامه دارد